

قلمروخواهی جریان‌های فرهنگی شیعی و سلفی در غرب آفریقا

مجید رسولی^۱

استادیار گروه ژئوپلیتیک مرکز مطالعات آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

شهر روز شریعتی

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳

چکیده

منطقه غرب قاره آفریقا، به عنوان بزرگترین منطقه مسلمان‌نشین قاره آفریقا، می‌تواند نقش قابل توجهی در تحولات جهان اسلام ایفا کند. در این چارچوب منطقه غرب آفریقا به عرصه جدید رقابت بین عربستان سعودی و ایران در عرصه‌های فرهنگی تبدیل شده است و جریان‌های فرهنگی در هر دو کشور مدت‌هاست که تمرکز خود را بر این بخش از قاره سیاه معطوف کرده‌اند. این پژوهش با تمرکز بر اهمیت کلیدی نمایندگی‌های ایدئولوژیک در غرب آفریقا، می‌کوشد تا تحلیلی را از نقش منطقه غرب آفریقا در رقابت بین عربستان سعودی و ایران ارائه می‌دهد. از این منظر، گونه‌شناسی عملکرد بوکوحرام به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های تروریستی در منطقه غرب آفریقا که با حمایت معنوی و مادی عربستان ادعای برپایی خلافت اسلامی دارد، دارای سویه‌های مهم برای یک جریان‌شناسی فرهنگی است؛ پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی پسارویدادی انجام و داده‌ها و اطلاعات آن بر مبنای تحلیل روندها، ارزیابی خواهد شد. این پژوهش ناظر بر این پرسش است که قلمروخواهی ایران و عربستان در غرب آفریقا چه تأثیری بر جریان‌های اسلام‌گرا در منطقه غرب آفریقا دارد و این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که ایران و عربستان با بهره‌گیری از نیروهای همسو در غرب آفریقا، منطقه جدیدی را برای رقابت‌های فکری شکل داده‌اند. یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که رقابت ایران و عربستان در غرب آفریقا شباهت‌های قابل توجهی با رقابت‌های این دو کشور در غرب آسیا دارد اگر چه با وجود برخی موفقیت‌های انکارناپذیر قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی ایران در غرب آفریقا، عربستان سعودی تا کنون توانسته است که با اتکا به درآمدهای سرشار نفتی دست برتر را در این رقابت داشته باشد.

واژگان کلیدی

ایران، عربستان، غرب آفریقا، نیجریه، قلمروخواهی.

مقدمه

مسلمانان ساکن در قاره آفریقا با نزدیک به ۶۵۰ میلیون نفر جمعیت، حدود ۵۳ درصد از کل جمعیت آفریقا را تشکیل می‌دهند (Muslimpopulation.com, 2017). از این منظر آفریقا به عرصه دیگری در رقابت عربستان و ایران تبدیل شده است؛ واقعیتی که با درخواست ملک سلمان، پادشاه عربستان برای اجلاس عربستان سعودی با آفریقا پیش از پایان سال ۲۰۱۷ روشن شد. با توجه به شکل‌گیری اتحادهای استراتژیک در شاخ آفریقا، جنوب آفریقای سیاه و مغرب تا استفاده از نمایندگی‌های ایدئولوژیک در آفریقای غربی، این مقاله می‌کوشد تا نحوه قلمرو خواهی ایران و عربستان را در پهنه آفریقای غربی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

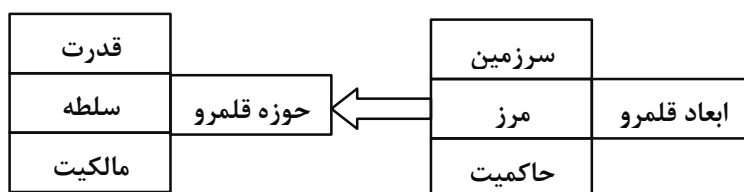
۱- چارچوب نظری: چیستی و گستره قلمرو خواهی در رقابت‌های منطقه‌ای

واژه قلمرو ترکیبی از اسم (قلم) و امر (رو) به معنی اسم ظرف (مکان) است یعنی محل روان بودن قلم کسی و قلمرو به معنی ملک مطیع است (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۹۲) و در عرف نشان دهنده محدوده مالکیت و حاکمیت یک واحد اکولوژیک بر یک محدوده جغرافیایی در شکل زمین و منابع مادی آن است (Storey, 2009: 3). جانوران محدوده مشخصی برای زندگی و فعالیت‌های زیستی خود بر می‌گزینند. حیوانات از رهگذر نشانه‌های ساده بصری، نشانه‌های آوایی، خواص بویایی و نشانه‌های چشایی، مرزهای خود را تعیین و نشانه‌گذاری می‌کنند و در نگاه‌داشت قلمرو خود می‌کوشند (گروتز، ۱۳۸۳: ۴۷). میزان وضوح این نشانه‌ها در فضا، میزان کنترل بر محدوده قلمرو (مرزها) را نمایان می‌کند (علی‌الحسابی و دانشمند، ۱۳۸۷: ۳۳-۲۳). از این رو، واژه قلمرو ناظر بر فضای محدود شده‌ای است که افراد و گروه‌ها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند. به فراخور وسعت و توانش مادی، قلمروهای مختلفی وجود دارند که زمینه بروز طیفی از کنش‌های مختلف از همکاری تا جنگ ساکنان هستند. در حوزه رفتار انسان اجتماعی، قلمرو بخشی از

سطح زمین است که گروهی خاص یا موجودیتی سیاسی، مدعی مالکیت و حاکمیت آن است. بر این پایه، قلمروها نشان دهنده اعمال قدرت بر فضا هستند که در عالی‌ترین سطح در قالب کشور-ملت‌ها سر بر آورده‌اند. امروزه قلمرو، گستره‌ی فضایی قدرت یک کشور و منابع مادی تأمین‌کننده آن قدرت است. به رغم اختلاف دیدگاه‌ها درباره تحولات مفهومی این واژه، سرزمین یا قلمرو بخش جدایی‌ناپذیر ساختار کشورها در قوانین بین‌المللی است. بر این پایه، قلمرو کشور عبارت است از سرزمینی (اعم از زیرزمین، آب‌های داخلی و هم‌مرز، فضای هوایی و برخی منابع دریایی نزدیک سواحل این سرزمین) که حکومت مدعی مالکیت آن است و کشورهای دیگر نیز این ادعا را به رسمیت می‌شناسند (Brownlie, 1998: 124). مسائل مربوط به درک مفهوم قلمرو و نقش آن در مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد توجه جغرافی‌دانان بوده است. جغرافی‌دانان همانند زیست‌شناسان واژه قلمرو را به مفهوم عام آن به کار می‌برند؛ یعنی ناحیه‌ای که در آن حقوق مالکیت اعمال می‌شود و به طریقی محدود و مرزبندی می‌شود. جغرافی‌دانان از واژه مرز برای بیان حدود چنین قلمروهایی استفاده می‌کنند (هاگت، ۱۳۷۹: ۳۵۱). در سطح کره زمین نواحی متفاوتی وجود دارند که موقعیت و کارکرد قلمرو این نواحی راهبردِ پایش (کنترل) آن محدوده را گریزناپذیر می‌کند (Sack, 1986: 15). پایشی که عمدتاً زمینه کنش ساکنان را در قالب همزیستی، هم‌وردی و کشمکش (از مقیاس خُرد تا کلان) به دنبال داشته است. در جغرافیای سیاسی سه مفهوم سرزمین، مرز و حاکمیت برای شکل‌دهی به قلمرو، رابطه نزدیکی دارند. بر این اساس، قلمرو، فضای متأثر از قدرت، سلطه و مالکیت است (Jones and others, 2004: 175) و شدت نفوذ قدرت، سلطه و مالکیت تابع شاخصه‌های وزن مکانی همچون پهناوری، میزان و تنوع منابع طبیعی، شکل (گرد، چندپاره و...) موقعیت آفندی، پدافندی،



راهبردی، گذرگاهی، فضای کارآزمایی^۱، عمق راهبردی و... است (Glassner, 1993: 120-121). این در حالی است که توسعه فناوری ترابری، رسانه، اطلاعات، نظام اقتصاد بین‌المللی یکپارچه و جنگ‌افزارها گستره قلمرو سرزمینی را به شدت در معرض فرآیندهای پیچیده جهانی، منطقه‌ای و ملی قرار داده و آن را از همگونی و همسانی به در آورده و کنشگران و بازیگران جدیدی وارد مناسبات قلمرو انسان-محیط کرده‌اند. شکل شماره یک ابعاد، کارکرد و حوزه قلمرو را نشان می‌دهد:



شکل (۱): ابعاد، کارکرد و حوزه قلمرو (ترسیم از نگارنده).

مقاله در ادامه پس از مروری بر رقابت جریان‌های فرهنگی ایران و عربستان در قاره آفریقا، چگونگی این رقابت را در غرب آفریقا نشان می‌دهد.

۲- مروری بر رقابت‌های فرهنگی ایران و عربستان در قاره آفریقا

شاخ آفریقا به عنوان یکی از کانون‌های اصلی رقابت عربستان و ایران در قاره آفریقا ظاهر شده است. یکی از مهمترین مناطق در میان موفقیت‌های منطقه‌ای ایران سودان بود که سال‌ها یک متحد حیاتی ایران بود. دو کشور رابطه نظامی و اطلاعاتی مشترکی را ایجاد کردند. سودان به یکی از نقاط اصلی حمل و نقل سلاح‌های ایرانی برای شرکای خود در غزه و لبنان عمدتاً حماس و حزب‌الله تبدیل شد (Guardian, 2016). اریتره و سومالی نیز ثابت کردند که شرکای همدلانه‌ای برای ایران هستند، به طوری که اریتره به متحد اصلی ایران در منطقه تبدیل شد. استفاده از

بنادر اریتره توسط نیروی دریایی ایران یک سرمایه استراتژیک برجسته برای ایران بود، زیرا جمهوری اسلامی پایگاه خود را در دریای سرخ و خلیج عدن ایجاد می‌کرد و همچنین موقعیت دریایی قوی در حیات خلوت عربستان سعودی فراهم می‌کرد. از سال ۲۰۱۵ تاکنون ایران از مسیر سومالی به عنوان دروازه اصلی کمک‌رسانی به جریان شیعیان حوثی که اکنون با عربستان سعودی می‌جنگند، استفاده کرده است. دسترسی به اریتره و سومالی همراه با کنترل سواحل دریای سرخ یمن از طریق حوثی‌ها، توانایی ایران را نیز در تسلط بر حمل و نقل بین‌المللی در باب‌المندب افزایش داد و از این طریق بازدارندگی قابل توجهی در برابر فشار خارج از کشور فراهم کرد. در همین حال، عربستان سعودی با درک تهدید منافع خود در شاخ آفریقا، سرمایه‌گذاری زیادی در تلاش برای مقابله با نفوذ جریان‌های فرهنگی حامی ایران انجام داد. چشمگیرترین موفقیت سعودی در از بین بردن روابط سودان با ایران بوده است. در سال ۲۰۱۴، سودان تعدادی از دیپلمات‌های ایرانی را اخراج کرد و آنها را به گسترش اسلام شیعی از طریق مراکز فرهنگی خود متهم کرد. خارطوم همزمان اعلام کرد که به اردوگاه سعودی می‌پیوندد. فراتر از انگیزه‌های مالی، سعودی‌ها با استفاده از اهرم‌های دیپلماتیک خود نظر سودان را جلب کرده و متعهد شدند که به سودان کمک کنند تا از انزوای دیپلماتیک خود خارج شود. به عنوان بخشی از این تلاش، سعودی‌ها برای غلبه بر کیفرخواست دادگاه کیفری بین‌المللی رئیس‌جمهور سودان، عمر البشیر به دلیل جنایات جنگی و نسل‌کشی در دارفور تلاش کردند. در سال ۲۰۱۶، سعودی‌ها یک میلیارد دلار در بانک مرکزی سودان سپرده‌گذاری کردند که احتمالاً به عنوان پاداش پس از تصمیم خارطوم برای قطع روابط با ایران در نتیجه حمله به سفارت عربستان در تهران بود. سعودی‌ها همچنین از قدرت اقتصادی خود برای تقویت روابط دوجانبه خود با جیبوتی، سومالی و اریتره استفاده کردند که همگی در نهایت به قطع روابط دیپلماتیک این کشورها با ایران منجر شد (Feierstein & Greathead, 2017:3).



در حالی که نفوذ سنتی ایران در شاخ آفریقا زمانی تهدیدی برای عربستان سعودی و منافع آن بود، اقدامات اخیر برای افزایش مداخله عربستان در منطقه به این کشور اجازه داد تا «کمر بند امنیتی» خود را گسترش دهد. تأسیس چندین پایگاه نظامی جدید توسط عربستان سعودی و متحد اصلی آن در خلیج فارس یعنی امارات متحده عربی در شاخ آفریقا، سکوی پرتابی به سعودی‌ها داده است تا از این طریق به زعم آنان نفوذ ایران را در منطقه از بین ببرد. در ژانویه ۲۰۱۷، عربستان سعودی و جیبوتی رسماً با ساخت پایگاه نظامی در شرق آفریقا موافقت کردند. با حضور نظامی جدید امارات متحده عربی در خاک سومالی و همچنین پایگاه نظامی مشترک در اعصاب، اریتره، عربستان سعودی و متحد آن در خلیج فارس کوشیدند تا نفوذ ایران را در این مناطق محدود کنند. نقشه زیر افزایش نفوذ نظامی ائتلاف عربستان سعودی را در منطقه آفریقای شرقی نشان می‌دهد:



نقشه ۱: افزایش نفوذ عربستان سعودی در منطقه شرق آفریقا

<https://docplayer.net/63793148-The-fight-for-africa-the-new-focus-of-the-saudi-iranian-rivalry.html>



۳- رقابت ایران و عربستان در شمال آفریقا

در رقابت بین ایران و عربستان سعودی در شمال آفریقا به نظر می‌رسد که الجزایر هدف اصلی ایران در این بخش از آفریقا بوده است. از زمان از سرگیری روابط دیپلماتیک در سال ۲۰۰۰، دو کشور روابط اقتصادی و دیپلماتیک قوی برقرار کرده‌اند. الجزایر یکی از معدود کشورهایی است که از برنامه توسعه هسته‌ای ایران پشتیبانی می‌کند، دولت ایران به الجزایر به عنوان «سکوی پرتاب» حیاتی نه تنها به منطقه مغرب بلکه به طور کلی به قاره آفریقا نگاه می‌کند. به نظر می‌رسد روابط مستحکم دیپلماتیک بین الجزایر و ایران ادامه دارد. در سفر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران به الجزایر طرفین بار دیگر خواستار افزایش همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی و ضدتروریستی شدند (Farrar-Wellman, 2010).

از نظر استراتژیک، عدم تمایل الجزایر به پیروی از عربستان سعودی در حوادث جاری در خاورمیانه، توسعه دیپلماسی فرهنگی ایران را در این بخش از قاره آفریقا تقویت می‌کند. همچنین با وجود تلاش‌های متعدد عربستان سعودی برای متقاعد کردن الجزایر در پیوستن به ائتلاف نظامی خود علیه شیعیان حوثی مورد حمایت ایران، الجزایر از مداخله خودداری کرده است. سرانجام عدم عضویت الجزایر در اتحاد نظامی اسلامی تشکیل شده توسط عربستان سعودی (اتحادی که به دلیل عدم عضویت در کشورهای برجسته شیعه از جمله ایران متهم به فرقه‌گرایی شده است)، عزم الجزایر را برای دور ماندن از تسلط روزافزون عربستان سعودی بر سیاست و درگیری‌های خاورمیانه نشان می‌دهد. قانون اساسی الجزایر همچنین استقرار نیروهای نظامی الجزایر را در خارج از کشور منع کرده است (Feierstein & Greathead, 2017:5).

ایران می‌داند که الجزایر به عنوان یک قدرت اقتصادی و نظامی در آفریقا، اساساً در چارچوب رقابت منطقه‌ای بین خود و عربستان سعودی است. هر چه الجزایر رسماً در رقابت بی‌طرف بماند، ایران بیشتر به دنبال گسترش روابط موجود با



این قدرت منطقه‌ای خواهد بود. برخلاف فرصت‌های ایران در سایر نقاط آفریقا، ایران گزینه‌های اندکی برای تأثیرگذاری در سیاست الجزایر دارد. در واقع، به نظر می‌رسد الجزایر با توجه به اهداف خود برای گسترش نفوذ و حضور خود در آفریقا به همان اندازه که می‌خواهد با ایران در قاره رقابت کند، می‌خواهد با این کشور شریک شود.

۴- رقابت ایران و عربستان در جنوب آفریقا

رقابت عربستان سعودی و ایرانی در کشورهای آفریقایی سیاه‌اساساً از طریق سیاست‌های قدرت نرم و همچنین وعده سرمایه‌گذاری به ویژه در زمینه‌های نفت و گاز انجام می‌شود. هر دو دولت از منابع طبیعی فراوان خود برای به دست آوردن متحدان و پیشبرد اهداف استراتژیک خود استفاده می‌کنند. از نظر ایران، سنگ بنای حضور این کشور در منطقه روابط قوی سنتی آن با آفریقای جنوبی است که عمده‌تاً از طریق فروش نفت و گاز ارزان به قدرت اصلی منطقه صورت می‌گیرد (McAnney, 2015).

عربستان سعودی به نوبه خود وعده ۲۰ میلیون دلار نفت ارزان از طریق صندوق توسعه ملی عربستان برای پیشبرد روابط دو جانبه با زامبیا داده است. ایران به آفریقای سیاه نه تنها برای حمایت سیاسی و دیپلماتیک، بلکه به عنوان منبع مواد اولیه برنامه هسته‌ای خود نگاه می‌کند (McAnney, 2015). از طریق صادرات ارزان نفت و گاز، ایران کمک‌های دیپلماتیک کشورهای آفریقایی را در نهادهای حیاتی بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تضمین می‌کند. ایران به دنبال تقویت روابط با کشورهای آفریقایی برای افزایش حمایت از این کشور در برابر تحریم‌های بین‌المللی و اقدامات انجام شده علیه خود است. علاوه بر این، ایران روابط دوجانبه با چندین کشور آفریقای سیاه که دارای ذخایر اورانیوم هستند را دنبال کرده است تا منابع برنامه هسته‌ای خود را تأمین کند. در همین راستا، ایران به دنبال بهبود روابط با مالاوی (سومین تولیدکننده اورانیوم

آفریقا) و همچنین نامیبیا است، جایی که ایران دارای ۱۵ درصد سهام معدن اورانیوم روسینگ است. در حالی که تحریم‌های سنگین بین‌المللی دسترسی آسان ایران به بازارهای جهانی اورانیوم را مسدود کرده است، ایران توانسته است در آفریقای سیاه تحریم‌ها را دور بزند (Feierstein & Greathead, 2017:5).

با این وجود در چند سال گذشته، سعودی‌ها ابتکارات دیپلماتیک متعددی را برای کاهش موقعیت ایران در آفریقای سیاه انجام داده‌اند. از همه قابل توجه‌تر، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی، یاکوب زوما سفر خود به ایران را لغو کرد و به جای آن، پس از بازدید غیرمعمول عادل الجبیر، وزیر امور خارجه عربستان در سال ۲۰۱۶ به عربستان سعودی سفر کرد. علاوه بر این، پس از آن‌که نیروی دریایی ایران با مقامات تانزانیا معامله‌ای را امضا کرد که به نیروی دریایی ایران اجازه می‌داد بازدیدهای منظم خود را از بنادر تانزانیا انجام دهد (TheIranProject, 2015). تنها چند هفته طول کشید تا وزیر خارجه عربستان به تانزانیا سفر کند و این کشور را اولویت عربستان سعودی برای تجارت و سرمایه‌گذاری در آفریقا اعلام کند. (Tanzania In- vest. 02 April 2016).

به همین ترتیب، استراتژی دیپلماتیک عربستان سعودی در آفریقای سیاه با رویکرد آن در شرق آفریقا مطابقت دارد که عبارت از وعده سرمایه‌گذاری‌های کلان مالی برای کسب حمایت و به چالش کشیدن نفوذ ایران در منطقه است.

۵- رقابت فرهنگی ایران و عربستان در غرب آفریقا

از نظر تاریخی، رقابت سعودی و ایرانی در شرق آفریقا یک بازی با حاصل جمع صفر برای قدرت استراتژیک بوده است. اما در غرب آفریقا، ریاض و تهران رقابت خود را به عنوان نبرد اراده و باورهای مذهبی خود انجام می‌دهند. آفریقای غربی که زمانی از نظر آزادی‌های مذهبی قابل تحمل بود، اکنون منطقه‌ای از تنش‌های فرقه‌ای در حال افزایش است که عربستان سعودی و ایران دیدگاه‌های متفاوت خود در مورد اسلام را به جامعه اسلامی گسترده آنجا صادر

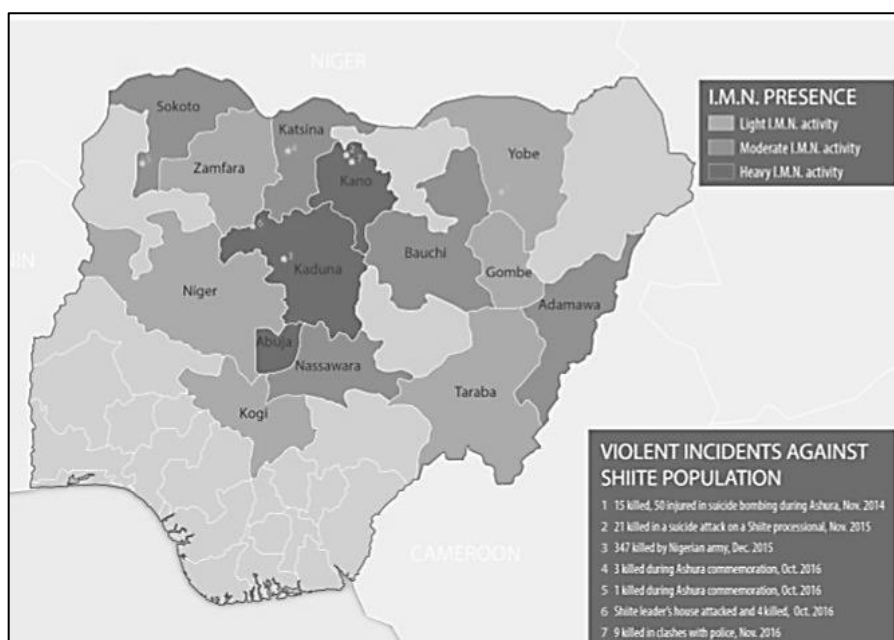


می‌کنند (Feierstein & Greathead, 2017:6).

این شکاف در پرمجوعیت‌ترین کشور آفریقا یعنی نیجریه مشهود است. نیجریه‌ها عمدتاً مسلمانان سنی مذهب هستند. این کشور توسط یک رئیس‌جمهور سنی به نام محمدوبوهاری اداره می‌شود و گروه افراطی سلفی بوکوحرام نیز در این کشور فعالیت می‌کند. کشور بین دو قطب جامعه اسلامی سنی نیجریه و اقلیت شیعه نیجریه که خود را به طور فزاینده در معرض تهدید قرار می‌دهد، گرفتار است. ایران در نقش خود به عنوان رهبر شیعیان جهان همواره سعی کرده است تا ضامن قانونی نقض مداوم امنیت و حقوق شیعیان در این منطقه باشد. ایران به ویژه پس از کشته شدن بیش از ۳۰۰ شیعه توسط دولت نیجریه در یک گردهمایی در دسامبر ۲۰۱۵ همواره از جنبش اسلامی نیجریه و ابراهیم زکزاکی رهبر معنوی این جنبش حمایت کرده است. این جنبش توسط دولت نیجریه به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شده و رخداد‌های آن توسط دولت، بوکوحرام و جماعت ایزالا، یک گروه سنی مورد حمایت عربستان سعودی هدف قرار گرفته است. ملک سلمان از تلاش‌های دولت نیجریه برای سرکوب جنبش اسلامی نیجریه پشتیبانی می‌کند، در حالی که ایران همواره خواستار تحقیق در مورد حبس ابراهیم زکزاکی و خشونت علیه جامعه شیعیان نیجریه شده است (Al-jazeera, 2016).

برای ایران، این نبرد ایدئولوژیک در نیجریه یکی از جلوه‌های مهم صدور انقلاب است که شامل ایجاد نمایندگی‌هایی به سبک حزب‌الله در سراسر آفریقا است. حضور جنبش اسلامی نیجریه به تقویت نفوذ ایران در غرب آفریقا کمک می‌کند و تلاش‌های عربستان سعودی برای محدود کردن رشد این جنبش با حمایت از گروه‌های سنی رقیب مانند ایزالا و همچنین کم‌کاری در محکوم کردن اقدامات بوکوحرام هنگام هدف قرار دادن این جنبش، اهمیت نیجریه را برای منافع عربستان و ایران در آفریقای غربی برجسته می‌سازد (Feierstein & Greathead, 2017:5).

بنابراین بر خلاف آشکار عربستان سعودی در آفریقای شرقی، ایران در جبهه ایدئولوژیک در غرب آفریقا به طور موثر با رقیب منطقه‌ای خود رقابت می‌کند. دارایی‌های ارزشمند ابراهیم زکزاکی و جنبش اسلامی نیجریه برای ایران توانایی نفوذ گسترده در کشورهای مهم سنی منطقه و همچنین اطمینان از ایجاد و توسعه گروه‌های ارزشمند نیابتی را به تهران ارائه می‌دهند. از آنجا که عربستان سعودی به طور طبیعی در تلاش برای مقابله با این گسترش است، این رقابت در حال تعمیق عدم تحمل مذهبی و افراط‌گرایی اسلامی در منطقه غرب آفریقا است. نقشه شماره دو گستره رقابت نفوذ شیعیان نیجریه را نشان می‌دهد:



نقشه ۲: حوادث خشونت آمیز سال ۲۰۱۷ و اعتراضات جنبش اسلامی شیعیان در نیجریه (Feierstein & Greathead, 2017:5)

در همین حال، اعتراضات جهانی شیعیان با هشتگ «زکزاکی را آزاد کنید» به طور همزمان در سراسر اروپا، آسیا، خاورمیانه و آفریقا برگزار می‌شود. این امر به منظور فشار برای آزادی شیخ ابراهیم الزکزاکی، رهبر مسلمانان شیعه در نیجریه است که بدون محاکمه توسط دولت نیجریه بازداشت شده است. الزکزاکی، رهبر جنبش

اسلامی شیعیان در ابتدا یک مسلمان سنی مذهب بود. او همچنین یک فعال دانشجویی در دانشگاه احمدو بلوزاریا در اواخر دهه ۱۹۷۰ بود. او همچنین در دوره جوانی انجمن دانشجویان مسلمان (MSS) را با هدف «اسلامی سازی زندگی عمومی» اداره می کرد. با این وجود، او با الهام از انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، به اسلام شیعی متمایل شد. در دهه ۱۹۸۰، او تبلیغ تشیع را در نیجریه آغاز کرد که این امر منجر به یافتن طرفداران قابل توجهی برای وی و در نهایت تشکیل جنبش اسلامی شیعیان شد. در اوج جنگ سرد، الزکزاکی علیه سوسیالیسم و سرمایه داری تبلیغ می کرد و طرفدارانش را به سوزاندن قانون اساسی نیجریه در اعتراض به سکولاریسم ترغیب کرد. (Zenn, 2017). وی همچنین تحت تأثیر ایده های سید قطب، در مورد تقسیم بندی بین اسلام و جاهلیت و اختلاف بین دین و بی اعتقادی اقدام به تدوین ایدئولوژی سیاسی خود کرد.

گفتمان مذهبی که جنبش زاکزاکی آن را نمایندگی می کند در عین حال بر اتحاد ملت اسلامی تأکید دارد. منازعه با برخی از رهبران جامعه مدنی بخشی از مبارزه با نیروهای دشمن جاهلی با انقلاب اسلامی است. گفتمان جنبش اسلامی نیجریه با دو ویژگی مهم متمایز می شود: نخست، بر مفهوم شهادت که به گفته الزکزاکی، برای اسلامی سازی دولت و جامعه ضروری است و دوم در مورد نقش اعضا است که باید به تولی و تبری متعهد هستند، با هر آن چه که خدا دوست ندارد و آن را محکوم می کند مخالف هستند. جنبش اسلامی نیجریه بزرگ ترین جنبش شیعه در آفریقا است که خواستار «پایان نفوذ غرب در کشور و اتخاذ دقیق اصول و سیستم های قانونی اسلامی» است. برند تشیع جنبش اسلامی نیجریه متأثر از جمهوری اسلامی ایران «دوازده امامی» است که در برابر «اسماعیلیه» غالب در شرق آفریقا و «زیدیه» که در یمن رایج است (Thurston, 2017). جنبش اسلامی نیجریه مانند «یک دولت در یک دولت» عمل می کند (Runsewe, 2017). طبق مرکز تحقیقات

پیو، بین ۱۰ تا ۱۳ درصد از جمعیت مسلمان جهان شیعه هستند که ۶۸ تا ۸۰ درصد از این جمعیت در چهار کشور ایران، پاکستان، هند و عراق زندگی می‌کنند (Pew Research Centre, 2009).

جنبش اسلامی نیجریه از انگیزه‌ها و سبک عملیاتی بوکو حرام که از سوی عربستان سعودی حمایت می‌شود فاصله دارد؛ این جنبش بیشتر به عنوان یک جنبش توده‌ای شیعیان در نیجریه شناخته می‌شود که رهبر آن، الزکراکی طرفدار اتحاد درون و برون ایمانی، مدارا و صلح است و همچنین صدای مظلومین را بدون توجه به دین، منطقه و فرقه منعکس می‌کند.

جنبش اسلامی نیجریه ملهم از الگوی جریان فرهنگی حاکم بر انقلاب اسلامی ایران، برای بزرگداشت آیین عاشورای حسینی سالانه سفر زیارتی به زاریا، خانه بنیانگذار این جنبش، الزکراکی را ترتیب می‌دهد. یکی از برخوردهای وحشیانه با این جنبش در نیجریه نیز در ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۴ در جریان راهپیمایی سالانه «روز بیت المقدس» (قدس) اتفاق افتاد، جایی که سربازان گشتی ۳۷ نفر از هواداران جنبش اسلامی نیجریه از جمله سه پسر الزکراکی را بازداشت کردند و کشتند. در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ برخورد پلیس نیجریه منجر به کشته شدن ۳۴۷ نفر از هواداران جنبش اسلامی نیجریه توسط ارتش و تخریب محوطه و اماکن مقدس شیعیان در زاریا شد. برخورد پلیس نیجریه با شیعیان به نحوی بود که سازمان عفو بین‌الملل گزارش داد که «ارتش علیه حامیان جنبش اسلامی نیجریه از نیروی غیرقانونی و بیش از حد استفاده کرده است» و در این شرایط صدها نفر از طریق تیراندازی‌های بی‌رویه یا عمدی کشته شدند. دولت ایالتی کادونا همچنین جنبش اسلامی نیجریه را تحریم و آن را یک گروه تروریستی اعلام کرد. در واکنش به این کشتار زنجیره‌های اعتراض در ایالت‌های شمالی نیجریه از جمله ابوجا، پایتخت دولت فدرال سازمان یافت تا دولت را مجبور به پیگرد قانونی یا آزادی رهبر جنبش اسلامی نیجریه و سایر طرفداران بازداشت‌شده کند.



الزکراکی ملهم از الگوی رهبری انقلاب اسلامی ایران هرگونه بودجه خارجی برای کمک به جنبش اسلامی نیجریه رد می‌کند. وی همچنین اصرار دارد که کمک‌های مالی اعضا صرفاً برای اداره «بنیاد شهید» جنبش اسلامی نیجریه استفاده شود. کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به شیعیان نیجریه بر خلاف عربستان سعودی محدود است و آنگونه که گفته می‌شود حجم این کمک‌ها از ماهی ۱۰ هزار دلار فرار نرفته است. این کمک‌های انسان دوستانه ایران عمدتاً برای برنامه‌های رفاه اجتماعی مانند تغذیه و پناهگاه‌های خانگی مورد استفاده قرار می‌گیرد و طبق گفته ماتو پیچ، متخصص سابق وزارت امور خارجه، ایالات متحده در نیجریه، ایران پایگاه خود را در زاریا به «مکانی برای افراد محروم در نیجریه» بدل کرده است (Abu-Nasr, 2017). گفته می‌شود که جنبش اسلامی نیجریه از محل درآمدهای خود حدود ۳۰۰ مدرسه و مرکز اسلامی تأسیس کرده است. ظرفیت الزکراکی برای بیان حقیقت با قدرت، وی را به عنوان یک صدا و محل تجمع جوانان محروم و حاشیه‌نشین در نیجریه و غرب آفریقا تبدیل کرده است. با این وجود، آنچه که در اصل باید صدور نرم‌افزاری گفتمان انقلاب اسلامی ایران تلقی شود، از سوی رقیب منطقه‌ای ایران گسترش مرزهای خصومت با بلندپروازی‌های توسعه‌گرایانه ایران تبلیغ می‌شود. در این چارچوب، عربستان سعودی با جلب نظر رهبران نیجریه در عمل این کشور را کشوری متحد آمریکا کرده است که در حال جنگی جهانی علیه گسترش اسلام شیعی در غرب آفریقا و حتی آسیا است. همراهی دولت نیجریه با دولت عربستان برای سرکوب شیعیان مظلوم یمن، گرایش ایدئولوژیکی رهبران سیاسی نیجریه را در مبارزه با جریان‌های شیعی آشکار کرده است. سرکوب شیعیان در نیجریه البته بارها توسط ایران محکوم شده است به نحوی که یک نماینده سابق ایالات متحده در نیجریه اعتراض ایران به محدودیت الزکراکی را موجب پیچیدگی موضوع وی می‌داند! نقض حقوق بشر در مورد شیعیان در نیجریه توسط آمریکا نیز

به ندرت محکوم می‌شود. بر این اساس، آنگونه که سخنگوی جنبش شیعیان در نیجریه بیان می‌کند: «حقیقت آشکار این است که دولت فدرال تصمیم گرفت جنبش اسلامی را به دستور عربستان سعودی، نماینده و متحد غرب، سرکوب کند...» (Maina, 2018).

آن‌گونه که در سال ۲۰۱۲ یک فعال حقوق مدنی و سناتور سابق هشدار داده بود اقدامات دولت نیجریه ممکن است، جنبشی مدنی شیعیان نیجریه را با خشونت بیشتری مواجه کند و در عمل منجر به تقابل جریان‌های اسلام‌گرا در غرب آفریقا شود. گزارشی مبنی بر این که پیروان اولیه الزکراکی که از جنبش اسلامی نیجریه جدا شدند، به مبارزات خشونت‌آمیز متوسل شدند، باید نگرانی‌های استراتژیک ایجاد کنند. این امر باعث می‌شود سرکوب هماهنگ جنبش اسلامی نیجریه بسیار خطرناک باشد.



نتیجه‌گیری

عربستان سعودی از هنگامی که وهابیون توانستند همه مناطق عربستان مرکزی را زیر پرچم خود گرد آورد، یک کشور سنی مذهبی عادی نبوده است، سلسله آل سعود که متولی مهمترین اماکن مقدس جهان اسلام است خود را در عین حال تجلی سیاسی تسنن خشک بنیانگذاران فرقه‌ی وهابی می‌داند. بر این اساس حضور یک اقلیت شیعه مذهب در مناطق غرب آفریقا مشکلی بزرگتر از همزیستی با به تعبیر آنان «رافضیان» است، چرا که این جامعه‌ی شیعه از نظر عربستان سعودی نه فقط همچون یک اسب تروا است بلکه ممکن است قدرت انحصاری عربستان را در کشور نیجریه پیوسته به مبارزه طلبد. در همین حال، انتفاضه شیعیان نیجریه طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی توانست در بازسازی جامعه شیعی این کشور تأثیر بسزایی داشته باشد و هویت جریان فرهنگی شیعیان را در این مناطق تقویت کند. به واسطه این قیام جایگاه و منزلت اجتماعی گروهی از رهبران سیاسی که در جامعه شیعی نقشی حاشیه‌ای داشتند، ارتقا یافت و آنان با الهام از انقلاب اسلامی ایران فعالیت‌های گوناگون دینی و سیاسی خود را در داخل و خارج از کشور گسترش دادند و بدین ترتیب شیوه‌های مبارزاتی بهتر و کارآمدتری را فرا گرفتند. گفتمان فرهنگی انقلاب اسلامی ایران با عناصری نظیر آرمانگرایی، نوزایی اسلامی و غرب‌ستیزی، شیعیان نیجریه را نیز به ایدئولوژی منحصر به فرد انقلابی تجهیز کرد که این ایدئولوژی می‌تواند برای دولت سنت‌گرای عربستان در غرب آفریقا نگران‌کننده تلقی شود. با این وجود به نظر می‌رسد ایدئولوژی شیعیان هر چند در ابتدا توانست امید شیعیان نیجریه را به رهایی از ظلم دولت این کشور تا حدود زیادی امیدوار کند اما تبلیغات نظام یافته عربستان طی سال‌های اخیر و بروز برخی از مشکلات از جمله وجود تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، موجب شد تا جنبش‌های شیعی در غرب آفریقا تا حدودی دچار نوعی انفعال و کم‌تحرکی شوند. به بیان بهتر، عربستان با استفاده از درآمدهای نفتی بالا و درآمد حاصل از حج موفق شد، از طریق انتشارات، تبلیغات و صرف هزینه‌های گزاف در جهان اسلام، اسلام‌گرایی را به

سمت محافظه کاری سوق دهد. افزون بر این عربستان از طریق هزینه کردن پول‌های فراوان در مناطق شیعه نشین و در عین حال ممانعت از فعالیت شیعیان در حوزه آموزش و پرورش توانسته است بخشی از دانش آموزان شیعه غرب آفریقا به ویژه در کشور نیجریه را مجبور به فراگیری آموزه‌های وهابی کند. هر چند که برخی معتقد هستند که با وجود رقابت‌ها و اختلاف‌ها در بعضی مسائل هر دو ایران و عربستان مصمم به گسترش زمینه‌های مشترک همکاری و کاستن و کنترل زمینه‌های دشمنی با یکدیگر بوده و همواره تلاش نموده‌اند تا خط قرمزهای یکدیگر را شناخته و کنترل نمایند. اما حوادث جهان اسلام در غرب آفریقا و آسیا و ظهور پدیده داعش نیز نشان داد که نگرش دو کشور ایران و عربستان در مسائل جهان اسلام و حتی در برابر خطر مشترک صهیونیسم به میزان زیادی متفاوت است. بر اساس آنچه گفته شد، ملاحظه می‌شود که الگوی فکری گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در شرایطی که جریانات اسلامی سنی میانه‌رو غرب آفریقا در تلاش برای بازسازی الگوی خلافت هستند و جریانات اسلامی سلفی نظیر بوکو حرام نیز می‌کوشند تا گفتمان فراگیری را در غرب آفریقا ایجاد کنند با ارائه نسخه‌ای مبتنی بر سه عنصر «آرمان‌گرایی اسلامی»، «غرب‌گریزی» و «نوزایی اسلامی» به گفتمانی فراگیر و جایگزین برای برزیستن شیعیان و مسلمانان منطقه غرب آفریقا بدل بشود که این مهم نگرانی امنیتی برای دولت عربستان سعودی محسوب می‌شود. سرانجام، هر چند توجه عربستان و ایران به آفریقا در بهترین حالت، یک نعمت متفاوت برای دولت‌ها و مردم ساکن این مناطق بوده است اما آنچنان که این نوشتار نشان داد حمایت ایران و عربستان از دو جریان متمایز فرهنگی در غرب آفریقا در عمل منجر به رویارویی جریان‌های تکفیری غرب آفریقا با شیعیان این مناطق شده است. از سوی دیگر در حالی که عربستان سعودی و متحدانش در خلیج فارس از طریق مشوق‌های مالی شاخ آفریقا را از نفوذ جریان‌های فرهنگی حامی ایران دور کرده‌اند اما ایران هم در مقابل موفق شده است تا حضور معنوی خود در غرب آفریقا را از طریق تشکیل گروه‌های نیابتی ایدئولوژیک به سبک حزب‌الله لبنان تقویت کند.



فهرست منابع

۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهید، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲. گروتر، یورک (۱۳۸۳)، زیبا شناختی در معماری، ترجمه جهانشاه پاگزاد و عبدالرضا همایون، چ ۲: تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳. علی الحسابی، مهران و سارا دانشمند (۱۳۸۷)، ارزیابی ظرفیت همجواری قلمروهای فضایی در واحد مسکونی، نشریه بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، ج ۱۹، ش ۱۶، تهران: ویژه نامه مهندسی معماری و شهرسازی.
۴. هاگت، پیتر (۱۳۹۲)، جغرافیای ترکیبی نو، ج اول، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، تهران: انتشارات سمت.
5. Abu-Nasr, Donna (2017). 'As Trump Makes Threats, Iran Makes Friends'. Bloomberg, March 8, 2017. <https://www.bloomberg.com/news/features/2017-03-08/as-trump-makes-threats-iran-makes-friends> (accessed July 10, 2017).
6. Africa's Muslim Population in 2016". Muslim Population. Available online at: 07 July 2017. <http://www.muslimpopulation.com/africa/>
7. Brownlie, I. (1998), Principles of Public International Law, Clarendon Press.
8. Glassner, Martin (1993), Political Geography. 2nd edition. John Wiley & Sons. New York.
9. McAnney, A., "Iran in Africa". Center for Security Policy. 2015. Available online at: <https://www.centerforsecuritypolicy.org/wp-content/uploads/2015/01/Iran-in-Africa.pdf>
10. Feierstein, Gerald & Craig Greathead (2017), The Fight for Africa: The New Focus of the Saudi-Iranian Rivalry, Policy Focus, Available online at: https://www.mei.edu/sites/default/files/publications/PF2_Feierstein_AfricaSaudiIran_web_4.pdf
11. Farrar-Wellman, A. (2010), "Algeria-Iran Foreign Relations". Track Persia. Available online at: <http://www.trackpersia.com/algeria-iran-foreign-relations/>

12. "Iran, Tanzania Navy officials agree on regular visits". The Iran Project. 5 March 2016. Available online at: <http://theiranproject.com/blog/2016/03/05/iran-tanzania-navy-officials-agree-on-regular-visits/>
13. Jones, Martin, Jones, Rhys and Woods Michael.(2004), an Introduction to Political Geography: Space, Place and Politics, Routledge.
14. Maina, Maina. 'El-Zakzaky: We're Very Different from Boko Haram – Shiites Reply Ex-US Envoy, Campbell'.
15. Runsewe, Oreoluwa. 'Here's Some Background on Shiite and Sunni Relations in Nigeria'. Ventures Africa, December 15, 2015. <http://venturesafrica.com/141489/> (accessed February 10, 2017).
16. Sack, Robert David (1896), Human Territoriality: Its Theory and History. Cambridge University Press.
17. "Saudi Arabia Chooses Tanzania as Priority Country to Develop Trade and Investment in Africa". Tanzania In- vest. 02 April 2016. Available online at: <http://www.tanzaniainvest.com/economy/trade/saudi-arabia-chooses-tanzania-as-priority-country-to-develop-and-promote-trade-with-Africa>.
18. Storey, David (2009), Political Geography. In: International Encyclopedia of Human Geography. Elsevier, Oxford.
19. Thurston, Alexander. 'Shi'ism and Anti Shi'ism in Nigeria'. MAYDAN, May 15, 2017. <https://www.themaydan.com/2017/05/shiism-anti-shiism-nigeria/> (accessed September 5, 2017).
20. "Why has Sudan ditched Iran in favor of Saudi Arabia?". The Guardian. Available online at: <https://www.theguardian.com/world/2016/jan/12/sudan-siding-with-saudi-arabia-long-term-ally-iran>.
21. Zenn, Jacob. 'The Islamic Movement and Iranian Intelligence Activities in Nigeria'. Combating Terrorism Center Sentinel 6, no. 10 (October 2013). <https://ctc.usma.edu/the-islamic-movement-and-iranianintelligence-activities-in-nigeria/> (accessed April 11, 2017).



